شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
سال هفدهم
۱۶ اسفند ۱۴۰۴
۱۷ رمضان ۱۴۴۷
شماره ۴۷۱۵
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز شهرداری مشهد
مدیرمسئول سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵
نمابر ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۴۲:۳۲	غروب آفتاب ۱۷:۳۱:۲۹	اذان مغرب ۱۷:۴۹:۴۴	
نیمه شب شرعی ۲۳:۰۰:۳۶	اذان صبح فردا ۰۴:۲۹:۴۳	طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۳:۳۶	

امام علی (ع):

خداوند برای گروهی کشته شدن و برای گروهی دیگر مرگ را مقرر نموده و هرکدام به اجل معین خود آن سان که او مقدر کرده است می رسند، پس خوشا به حال مجاهدان راه خدا و کشتگان راه اطاعت او.

نهج السعاده، جلد ۲، صفحه ۱۰۷

چکامه

مایيم و دلی شکسته در هجرانش

مایيم و دلی شکسته در هجرانش .....افتاده به دریای غم و طوفانش
یا رب برسان به حق زینب برسان .....این جان و جهان را به سر و سامانش

کاظم رستمی

کوچه

ناو «دنا» که پس از بازگشت غیرمسلحانه از «رزمایش دریایی صلح میلان» در آب های اقیانوس هند به دست جنایتکاران آمریکا هدف قرار گرفت

«دنا» مثل کوه پشت مردمش ایستاد

غلامرضا نبی اسدی
روزنامه نگار

دریا نه فقط حق ماست که معنای ماست. شرح بزرگی و گستردگی دل ما نیز هست. شرح صدر مؤمنانه ایرانی، دریا را مثال خویش دارد. دریا هم در عظمت و آرامش، خویش را به ایرانی باید مثال بزند و چون به خشم می آید و موج برمی دارد به دشمن شکنی ایرانیان مانند می‌شود. ما دریاییم و دریا برای ماست. اصلا سیادت دریایی حق ماست. چون ما از اول بوده ایم. از جایی نیامده ایم که مستأجر و اهل امروز و فردا باشیم. بوده ایم، هستیم و خواهیم بود. آن هایی باید بروند که از راه دور به جبر و جور پا به این پهنه محترم آبی گذاشته اند. ما اهل دریاییم و دریا اهل ایران است. بارها از آن چون جان حمایت کرده ایم. بارها و بارها با خون خود آن را طهارت داده ایم. در همین نیم قرن گذشته، هر روز، خورشید دریا به سلام پرچم پرافتخار ایران آمده است. ۷آذرکه در عظمت عملیات مروارید، راه به تقویم برد، یک صفحه از کتاب سیادت ما بر دریاست که در سال ۱۳۵۹ تحریر شد. در طول دفاع مقدس، بارها به دشمنان گوناگون گفتیم، این دریا موج های طوفان شکن دارد. دریا هم حرف های ما را تکرار کرد و به بعثی ها راه نداد. راه برای حامیانشان هم تنگ کرد. بارها به امواج خشمناک خود، به حضور بیگانگان اعتراض کرده است. دریا حرف های خود را در هیئت قایق های تندرو گفته است. به زبان پیکان و جوشن و سهند و سبلان و دنا (ناوچه غیرمسلح) و جماران تکرار کرده است. مردان دریایی ما چه در رزم جامه پاسداری و چه در رعنایی قامت نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ثابت کرده اند که برای دفاع از ایران، همه پهنه آبی خلیج همیشه فارس و دریای عمان را به مثابه یک خاک ریز گسترده دیده اند. خون داده اند اما پا پس نکشیده اند. هزار پاره شده اند اما یک قطره آب را هم بر حرامیان، حرام کرده اند. ما به این مردان پرعظمت افتخار می کنیم. دریا مردان خویش را چنان می ستاید که ایران عزیز فرزندان خود را. در این روزهای خون و آتش که باطل با همه توانش به میدان آمده است باز دریادلان ما هستند که تنها و تنها و باز هم تنها اما با توکل برخدا سینه سپر کرده اند. جنگ افزارها نابرابر است اما این نابرابری را در رزمی نامتقارن و با اراده ای که آن نسبت نابرابر را معکوس می کند، پنجه درپنجه جهان کفر و جور شده اند. فرزندان باغیرت ایران، جان می بازند اما جای پا به دشمن نمی دهند. فردا که امواج چون غبارها فرو بنشیند دریا خود برای حماسه سازان شهیدش خواهد گریست، اما امروز دریا هم می داند که وقت سوگ نیست که گاه تبدیل سوگ به سرمایه است. زمان تبدیل خبر به روایت و حادثه به حماسه است. این مهم ترین مسئله ای است که باید بدان توجه داشت و توجه داد. دلاوران نیروهای دریایی ما، پشت ایران ایستاده اند، ما هم پشتشان می ایستیم. هر کدامشان را در شکوه یک حماسه می خوانیم. هر شهیدشان را چون پرچم افتخار بر شانه می کشیم و همه با هم دریا را برای ایران نگه می داریم.

روایت اول

از بعدِ شهادت تو در سوختنیم

عاطفه جعفری
نویسنده و شاعر

گفتند امشب شب نیمه رمضان است. مراکز استان ها به یاد دیدار هرساله آقا با شاعران شب شعری تحت عنوان «شب شعر امین» برگزار می کنند. دست اندرکاران مشهدی خوش ذوق، دیدار را در منزل آیت ا... جواد خامنه ای برگزار کردند به همراه سخنرانی آقای رحیم پور ازغدی. آقای رحیم پور راکه دیدم یادم آمد سال ۱۳۹۸ وقتی داشتیم وارد بیت می شدیم ایشان جوری که سعی می کردند ما دورشان جمع نشویم از بینمان با لبخند عبور کردند. خاطرات آن شب بهشتی چرا رهایم نمی‌کند؟ در دیدار رمضانی وارد حسینیه که می شدیم سراسر شوق بودیم و اینجا حسرت وجودمان راگرفته بود. تقریبا در آغوش همه دوستانم گریستم، رسیدم به کسی که یک سال است پدرش را ازدست داده، بغلش کردم وگفتم: یتیم شدن این شکلی بود؟ گفت: نه! یتیم شدن این قدر سخت نیست! این خیلی سخت تر از یتیم شدن است! بغضم ترکید و با صدای بلند گریه کردم. یکی گفت: خبر شهادت راکه شنیدم فقط به توفکر کردم. به اینکه همیشه عکس رهبری روی پروفایلت بود و حتی استاد کاظمی وقتی پیام می‌گذاشتی به شوخی می‌گفتند: مقام معظم رهبری پیام داده اند. توی دلم گفتم: خوش به حال من که اسمم کنار او قرار گرفته، خوش به حال من که در سوگ او دوستانم به یاد من می افتند. نه! اینجا خیلی غم دارد اصلا شبیه دیدار آقا با شاعران نیست. حتی بااینکه این غم حماسه است اما آنجا پدر بود و اینجا یک صندلی خالی گذاشته اند وسط حسینیه آقا سد جوادآقا و عکس رهبر شهیدمان هم صندلی را مزین کرده است. آه که چقدر این صندلی حسرت دارد با خودش.

حتی یکی از آقایان شاعر وقتی نشست شعرش را بخواند با بغض و حسرت گفت: کاش آقاجانمان اینجا نشسته بودند و ما برایشان شعر می خواندیم. جلسه تمام شد و وقت خداحافظی یکی می پرسید: رهبر جدید کیست؟ دیگری می گفت: از موشک هایی که زدیم چه خبر؟ هرکسی به من می رسید می‌گفت: خوش به حالت حضرت ماه رادیدی! و من توی دلم می‌گفتم: بیچاره تر اونی که دیده کربلا رو. اما یک نفر گفت: شنیدید بناست مشهد تشییع و دفن بشوند؟ قلبم دچار تپش شد. یعنی آقا بناست برای همیشه به خانه خودشان برگردند؟ چندسالی است که دیگر روز اول نوروزها را مثل قبل نمی آمدند مشهد. حالا درحالی که نشسته ام در منزل پدری شان می شنوم بناست مشهد دفن شوند زیر لب می‌گویم: میشه آقا به خونه برگردی؟ یکی گفت: معلوم نیست! تکذیب نشده؟ آن یکی گفت: نه به تعویق افتاده! با خودم فکر کردم تقدیر ما را هم با انتظار گره زده اند ها! ما چندسالی هست عادت کرده ایم روز اول نوروز را منتظر باشیم و ببینم دقیقه ۹۰ چه می شود، این بار هم این انتظار سخت را به جان می خریم. این انتظارها ما را برای انتظار عظیم آماده کرده اند؟ همانطور که از کوچه سرشور به سمت باب الجواد(ع) خارج می شدم زیر لب رباعی جدیدم را که برای سوگ آقا نوشته بودم زمزمه می‌کردم:

با حسرت و ابتلا و غم هم سخنیم
از بعدِ شهادت تو در سوختنیم
دنیا شده آماده یک آمدنی
ما چشم به راه حجت ابن الحسنیم

اول شخص

پاسدار مرزها

برای شهید سپهبد محمد پاکپور، فرمانده فقید کل سپاه پاسداران که در تجاوز تروریستی رژیم صهیونیستی و آمریکا به شهادت رسید

شهید پاکپور به همراه هم‌رزمانش در دوران دفاع مقدس

مریم شیعه| به زحمت می توان چند متر جلوتر را دید. زمستان که می شود، مه غلیظ مهمان همیشگی این ارتفاعات است. اینجا و در جاده های کوهستانی غرب کشور، فقط صدای خودروهای نظامی در پیچ وخم جاده به گوش می رسد. پژاک لابه لای کوه ها کمین کرده است. شاخه مسلح حزب حیات آزاد کردستان که ریشه در کردهای ترکیه دارند، حملات خشونت بارشان را از سر گرفته اند و غرب در تنگناست. هرازگاهی که اوضاع واحوال به هم می ریزد، تجزیه طلبان غرب کشور، دوباره اسلحه به دست می‌گیرند و آشوبی تازه برپا می‌کنند. با لباس خاکی رنگ خودش را به ارتفاعات کردستان می رساند. جلوی صف نیروهای خسته می ایستد و چند کلمه با آن ها حرف می زند.

می خواهد، خودش شخصا به این غائله رسیدگی کند. سال هاست که به اینجا رفت وآمد دارد. او غرب را بهتر از هرکس دیگر می شناسد. جغرافیای این خطه برای او، برآمده از نقشه و مختصات نیست. روی هر گردنه و میان هر روستا، خاطره و تجربه دارد. سال ۱۳۳۹ در اراک به دنیا می آید. نوجوانی اش با سال های پیش از انقلاب اسلامی هم زمان می شود.

با پیروزی انقلاب به سپاه پاسداران می پیوندد. نهادی تازه تأسیس که هنوز ساختارش در حال شکل‌گیری است. یک سال بعد، جنگ ایران و عراق آغاز می شود و نسل او بی درنگ وارد میدان می شود. در طول هشت سال جنگ، در جبهه های مختلف حضور پیدا می‌کند و از عملیات های بزرگ جنوب تا محورهای غرب کشور را تجربه می‌کند. به تدریج در سلسله مراتب فرماندهی بالا می رود و به اندوخته هایش سروشکل می دهد. سال های دفاع مقدس، نگاه او به مسئله امنیت را شکل می دهد و بعد از آن، امنیت به همه دغدغه اش تبدیل می شود.

پس از پایان جنگ در سال ۱۳۶۷، مسیر حرفه ای اش ادامه پیدا می‌کند. او همچنان که تحصیلات تکمیلی اش را در رشته جغرافیای سیاسی تا مقطع دکتری در دانشگاه های تهران وتربیت مدرس ادامه می دهد، مسئولیت های مختلف در نیروی زمینی سپاه می‌گیرد و در سطوح عملیاتی و ستادی رشد می‌کند. دهه ۷۰ و ۸۰ خورشیدی، دوره ای است که ساختار سپاه از حالت جنگی به سمت سازمان یافتگی بلندمدت حرکت می‌کند. او بخش پررنگی از همین روند است. در اسفند ۱۳۸۸، با حکم فرمانده کل سپاه، به عنوان فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می شود.

او مسئولیتی را می پذیرد که بیش از هر چیز، نیازمند مدیریت عملیات های زمینی پیچیده و خستگی ناپذیری است.

مرد میدان

خطوط مرزی، مناطق کوهستانی، روستاهای پراکنده و مسیرهای تردد معلوم و نامعلوم غرب کشور را از بر است. پشت میز فرماندهی می نشیند و گزارش ها را مرور می‌کند. او می تواند با خواندن چند سطر از گزارش ها، نقشه کلی درگیری ها را در ذهنش مرور کند.

او می تواند به اعماق ذهنش چنگ بیندازد و تصویر حقیقی این مختصات را بیرون بکشد. در سال های فرماندهی او، نیروی زمینی سپاه ساختاری به نام «قرارگاه های منطقه ای» را تقویت می‌کند؛ ساختاری که برای واکنش سریع در مرزها طراحی شده است. در غرب کشور، عملیات هایی علیه گروه های مسلح در مناطق مرزی انجام می شود. در جنوب شرق، تحرکات امنیتی مدیریت می شود. او بارها در سخنرانی های رسمی، بر حفظ امنیت پایدار و حضور فعال در مرزها تأکید می‌کند. امنیت برای او، امری واکنشی نیست و عقیده دارد باید تهدید را پیش از رسیدن به خاک کشور مهار کرد. در کنار مأموریت های مرزی، نیروی زمینی سپاه در رزمایش های گسترده داخلی نیز فعالانه حاضر می شود و رزمایش هایی را اجرا می‌کند که بر توان موشکی کوتاه برد، پهپادی و تحرک یگان های زمینی تمرکز دارد. او در این رزمایش ها بر ارتقای توان بومی و آمادگی دائمی تأکید می‌کند. او نه تنها غرب، که به مرزهای تمام ایران سرکشی می‌کند. به دنبال الگویی می‌گردد که مناطق قومی ایران را امن کند. ترکیب تجربه میدانی و آموزش آکادمیک، چهره ای از یک فرمانده حرفه ای را نشان می دهد، کسی که هم عملیات را می شناسد و هم قواعد بازی را. زندگی شخصی اش کم حاشیه است. کمتر در مصاحبه های بلند ظاهر می شود و بیشتر در قالب بیانیه های رسمی یا بازدیدهای میدانی حرف می زند. مواضعش عمدتا بر آمادگی دفاعی، پاسخ متقابل به تهدید و حفظ ثبات منطقه ای استوار است. ادبیاتش رسمی و مبتنی بر چارچوب های امنیتی است.

تا واپسین لحظات

«محمد پاکپور» در خرداد امسال پس از شهادت سردار سپهبد حسین سلامی در تجاوز رژیم صهیونی به خاک کشورمان، به عنوان هشتمین فرمانده کل سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. در دوره فرماندهی او بر نیروی زمینی سپاه، تمرکزش بر امنیت مرزهای غربی و جنوب شرقی کشور، ایجاد قرارگاه های منطقه ای و برگزاری رزمایش های گسترده بود.

او از فرماندهانی بود که ساختار نیروی زمینی سپاه را در دوره پساجنگ تثبیت کرد و آن را به سمت سازمان یافتگی بلندمدت سوق داد و تا واپسین لحظات عمر، پای کار بود. سرلشکر پاکپور در نهم اسفند ۱۴۰۴، به همراه جمعی دیگر از فرماندهان نیروهای مسلح، در دفتر محل کار رهبر فقید انقلاب حاضر بود که در حمله تروریستی مشترک آمریکای خبیث و رژیم صهیونیستی به همراه قائد امت آیت ا... خامنه ای به شهادت رسید.

عکس روز

داغ بر دل نشسته

این روزها، حال دل مردم ایران خوب نیست. هشت روز است که رژیم صهیونی و آمریکای جنایتکار به خاک و جان سرزمینمان تجاوز کرده اند و داغی بزرگ بر دل مردم ایران نشانده اند و وقیحانه رهبرمان را در حین خدمت به همراه خانواده‌شان به شهادت رسانده‌اند. بسیاری از مردم مشهد این روزها با نصب پرچم و پوسترهای منقش به تصویر رهبر شهید انقلاب اسلامی در سردر خانه، مغازه و دیوارهای کوچه هایشان، یاد و خاطره آن رهبر فرزانه و فقید را زنده نگه داشته اند.

عکس و روایت: فهیمه فرخی/ شهرآرا